

**The cultural function of Muslims seafaring in the spread of Islam
in India based on the book Ajaayeb-Al- Hind (The Wonders of the
India) (4th century AH)**

Mehdi Nazari¹ Faizullah Boshasb Goshe² Seyed Alireza Abtahi³

Received: 2021/04/06 | Accepted: 2021/06/08

(DOI): 10.22034/MTE.2022.9238.1347

Abstract

Original Article
P193 - 214

One of the ways of spreading Islam in India has been the religious atmosphere of Muslim seafaring. Muslim ships had a relatively large number of passengers of different ethnicities and nationalities. Cruises were often long and took months in crisis. The sailors faced storms, obstacles and problems. The problem is what was the cultural and religious situation on Muslim ships and what effect did seafaring have on the spread of Islam in India? This descriptive-analytical study, based on library sources, especially based on the book of Wonders of India, shows that Muslim ships, in both normal and critical condition and danger, are full of manifestations of culture, beliefs and acts of worship in It all time. In times of danger, the human heart becomes more aware of the Creator of the universe. In such a situation, Muslims tend to certain rituals such as reciting the Qur'an and praying. The combination of these behaviors and other moral and personal characteristics of the Muslim passengers of the ships and the Muslim captains and the activities after leaving the ship in different ports and regions of India transmitted the message of Islam and spread it throughout the land of India.

Keywords: spread of Islam, India, seafaring, Wonders of India

1 - PhD Student, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran mehdi93nazari@gmail.com.

2- Associate Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran fboushasb@yahoo.com

3- Assistant Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran abtahi1342@yahoo.com

کارکرد فرهنگی دریانوردی مسلمانان در نشر اسلام در هند با تکیه بر کتاب عجایب الهند (قرن چهارم هجری)

مهدی نظری^۱ فیض اله بوشاسب گوشه (نویسنده مسئول)^۲ سید علیرضا ابطحی^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2022.9238.1347

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۳/۱۸

علمی - پژوهشی

چکیده

ص: ۲۱۴/۱۹۳

یکی از راه‌های نشر اسلام در هند، فضای اعتقادی و دینی دریانوردی مسلمانان بوده است. کشتی‌های مسلمانان سرنشینان نسبتاً زیادی از اقوام، ملیت‌ها و اقشار مختلف داشتند. سفرهای دریایی غالباً طولانی بود و در وضعیت بحرانی ماه‌ها طول می‌کشید. دریانوردان با طوفان‌ها و موانع و مشکلاتی مواجه بودند. مسئله این است که وضعیت فرهنگی و دینی در کشتی‌های مسلمانان چگونه بود؟ و دریانوردی چه تأثیری بر نشر اسلام در هند داشت؟ این تحقیق که به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای به خصوص تکیه بر کتاب *عجایب الهند* انجام گرفته، بیانگر آن است که کشتی‌های مسلمانان هم در وضعیت عادی و هم در وضعیت بحرانی و خطر، پر از مظاهر فرهنگ، اعتقادات و اعمال عبادی در شبانه‌روز بود. در مواقع خطر دل انسان‌ها بیشتر متوجه خالق هستی می‌شود. مسلمانان در چنین وضعیتی به آداب خاصی مانند قرائت قرآن و دعا روی می‌آوردند. مجموعه این رفتارها و سایر ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی سرنشینان مسلمان کشتی‌ها و ناخدایان مسلمان و فعالیتهای بعد از بیرون رفتن از کشتی، در بنادر و مناطق مختلف هند، موجب انتقال پیام اسلام و نشر آن در سراسر سرزمین هند می‌شد.

کلیدواژگان: نشر اسلام، هند، دریانوردی، عجایب الهند.

۱. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. mehdhi93nazari@gmail.com

۲. دانشیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول). f.boushasb@yahoo.com

۳. استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. abtahi1342@yahoo.com

مقدمه

کتاب *عجایب الهند* تألیف ناخدا بزرگ بن شه‌ریار رامهرمزی است. این ناخدای مسلمان در نیمه اول قرن چهارم زندگی می‌کرد. او به نقل وقایع و داستان‌ها از زبان دریانوردان و سایر سرنشینان کشتی‌ها که در راه‌های دریایی بین سواحل شرقی آفریقا، ایران و هند تا جنوب چین و ژاپن رفت و آمد می‌کردند، پرداخته است. محتوای این کتاب اغلب مشاهدات و وقایع عجیب و شگفت‌انگیزی است که در سرزمین هند و دریای هند-چه در دریا و چه در خشکی و جزایر هند — رخ داده است. بنا بر اطلاعاتی که مترجم فارسی به دست آورده و در مقدمه بیان کرده است، نام این کتاب را که به عربی ترجمه شده، *عجایب الهند* بره و بحره و جزایره نهاده است. البته بیشتر مؤلفان ایرانی، به اقتضای زمان خود، تألیفاتشان را به زبان عربی تدوین می‌کردند. چون که زبان عربی، زبان بین‌المللی اسلامی در ارتباطات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و غیره بود. نسخه خطی عربی این اثر را که در اسلامبول بود، دانشمند فرانسوی وان درلیث^۱، بین سال‌های ۱۸۸۳ تا ۱۸۸۶ با نسخه دیگری که در اختیار دانشمند دیگر فرانسوی به نام مسیو شفر^۲ بود، مقابله کرد و سرانجام با یک مقدمه مفصل و فهرست‌های گوناگون و چند شرح با متن کامل عربی آن به چاپ رسید. گرچه برخی از داستان‌های این کتاب خیلی عجیب و اغراق‌گونه است، اما اطلاعات بسیار ارزشمندی از جهت اوضاع طبیعی و جغرافیایی و آداب و رسوم و فرهنگ ممالک مختلف مشرق زمین به دست می‌دهد؛ بنابراین، این اثر مورد توجه و علاقه شدید هیئت‌های علمی اروپا و شرق شناسان قرار گرفته و در ششمین کنگره جامعه شرق شناسان مطرح و به چاپ رسیده است. محمد ملک‌زاده، متن عربی آن را پس از مقابله با متن فرانسوی از روی نسخه موجود در کتابخانه ملک‌الشعرا بهار به فارسی ترجمه کرده است. در این اثر در خلال داستان‌ها و رویدادها در دریا، به بروز و ظهور فرهنگ و اعتقادات اسلامی و جاری بودن احکام و رفتارهای اسلامی به صورت شبانه‌روزی در کشتی‌های مسلمانان اشاره شده و همچنین از اقوام و ملیت‌های گوناگون و اسامی بنادر و مراکزی که ارتباط جهان اسلام و سرزمین هند از طریق آنها و از راه دریانوردی و کشتی رانی برقرار شده، نام برده است.

^۱. P.A.Vanderlith

^۲. M.Shefer

گسترش اسلام در هند از جنبه‌های مختلف می‌تواند بررسی شود و عوامل زیادی در این قضیه اثرگذار بوده‌اند. از جمله مؤلفه‌های اثرگذار بر مبنای پژوهش‌های انجام‌گرفته، می‌توان به عواملی مانند هجوم نظامی، فعالیت‌های تبلیغی مسالمت‌آمیز اقشار مختلف مسلمان از جمله عالمان و مبلغان دینی، تاجران، صوفیان و غیره اشاره کرد. کتاب *عجایب الهند* از جهت بررسی ابعاد مختلف حرفه کشتی‌رانی مورد توجه بعضی از پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما در مورد مطالبی که در این کتاب درباره کارکرد فرهنگی دریانوردی مسلمانان و نقش آن در گسترش اسلام در هند بیان شده است، پژوهش مستقلی انجام نگرفته است. این پژوهش بر آن است که با تکیه بر این کتاب، کارکرد فرهنگی دریانوردی مسلمانان در گسترش اسلام در هند را بررسی و تحلیل کند.

پرسش‌هایی که این پژوهش به دنبال پاسخ آنهاست عبارت‌اند از:

- ۱- دریانوردی چه اهمیتی در برقراری ارتباط بین مسلمانان و هندی‌ها داشت؟
- ۲- وضعیت فرهنگی و دینی در سفرهای دریایی مسلمانان به هند چگونه بود؟
- ۳- دریانوردی مسلمانان چگونه و طی چه فرایندی موجب نشر اسلام در هند شد؟

در این تحقیق، جایگاه فرهنگی دریانوردی مسلمانان در گسترش اسلام در هند با تکیه بر کتاب *عجایب الهند* رامهرمزی (قرن چهارم هـ. ق) بررسی شده است. با توجه به اینکه رامهرمزی خود دریانوردی مسلمان بوده، اطلاعات موثقی در این مورد ارائه کرده است. در کتاب *عجایب الهند* ضمن اینکه به وقایع و حوادث مطرح شده در دریا پرداخته، به بروز و ظهور فرهنگ و اعتقادات اسلامی و جاری بودن احکام اسلامی در کشتی‌های مسلمانان اشاره شده است. اقوام و ملیت‌های گوناگون که مسافران این کشتی‌ها بودند، هر کدام در نشر این آداب و رواج آنها نقش خود را ایفا کرده‌اند؛ بنابراین، این موضوع در گسترش اسلام در بنادر و دیگر مناطق هند به سهم خود مؤثر بوده است.

پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده، به دریانوردی و کشتیرانی و تحولات آن، به عنوان یک حرفه در بستر تاریخ پرداخته‌اند و ابعاد مختلف فنی و حرفه‌ای دریانوردی و کشتی‌رانی مسلمانان را بررسی کرده‌اند؛ اما کارکرد فرهنگی دریانوردی مسلمانان در نشر اسلام مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است. از جمله کتاب‌های زیر:

دریانوردی ایرانیان، تألیف اسماعیل رائین، ۲۵۳۶؛ جزیره قشم و خلیج فارس، حسین

نوربخش، ۱۳۶۹؛ سفرهای دریایی مسلمین در اقیانوس هند، محمود طاهری، ۱۳۸۰؛ ۲۵۰۰ سال بر روی دریاها، فرج‌الله رسایی، بی تاریخ؛ از دریای پارس تا دریای چین، احمد اقتداری، ۱۳۶۴.

۱. اطلاعات علمی و جغرافیایی مسلمانان در مورد زمین و راه‌های دریایی

اطلاعات دانشمندان مسلمان در علوم زمین شامل خشکی‌ها، دریاها و غیره بسیار دقیق و قابل توجه است. در مقاطع تاریخی زمان خود با دقت و ظرافت خاصی از زمین و اقالیم آن گزارش علمی داده‌اند که بعد از گذشت قرن‌ها، همچنان ارزش علمی خود را حفظ کرده‌اند. ابن خردادبه در قرن سوم هجری درباره کرویت زمین و وضعیت جغرافیایی آن سخن گفته و در مورد کرویت زمین نوشته است: «گردی زمین مانند گوی است در درون فلک، همچون ذره‌ای درون تخم مرغ و جو اطراف زمین تمامی جوانب آن را احاطه کرده است». (ابن خرداد به، ۱۳۷۱: ۱) همچنین این دانشمند مسلمان در مورد نیروی جاذبه زمین می‌نویسد: «ساختمان زمین بدین گونه است که جو گرداگرد آن جذب کننده اجسام سنگین است؛ چون که زمین به مثابه آهن ربایی است که اجسام را جذب می‌کند». (ابن خرداد به، ۱۳۷۱: ۱) وی در ادامه به طول و عرض جغرافیایی، خط استوا و مناطق مختلف آب و هوایی کره زمین اشاره کرده است. (ابن خرداد به، ۱۳۷۱: ۱-۲) ابن رسته (قرن سوم و چهارم هجری) به کروی بودن زمین و ارائه اطلاعات در مورد اقیانوس هند پرداخته است. (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۲۱-۲۴ و ۹۵-۱۰۰) همچنین مسعودی در *مروج الذهب*، مؤلف *حدود العالم*، مقدسی و ابوریحان بیرونی در آثار خود به کروی بودن زمین، اعم از خشکی‌ها و دریاها و ارائه اطلاعات در مورد مختصات جغرافیایی زمین، دریاها و اقیانوس‌ها و همچنین نیروی جاذبه، خط استوا، قطب شمال و جنوب و اقالیم گوناگون پرداخته‌اند. (مسعودی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۸۳؛ مسعودی، ۱۳۶۵ الف: ۲۶؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۸-۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۸۴ و ۸۸-۹۰؛ بیرونی، ۱۳۶۲: ۱۵۳)

دریانوردان مسلمان به علت وجود موانع و خطرات از جمله وجود صخره‌های زیرآبی و طوفان‌ها، سعی می‌کردند مناسب‌ترین و بی‌خطرترین راه را انتخاب کرده و به خاطر بسپارند. همان‌طور که در تاریخ یعقوبی اشاره شده است، مسلمانان در مسافرت‌های دریایی و کشتیرانی خود طی قرن‌های زیادی به‌ویژه قرون اولیه اسلامی بر تمامی راه‌های دریایی مهم اقیانوس هند احاطه داشته و به وضعیت راه‌های دریایی اعم از جریان‌های آبی و بادی،

۱۹۸ مطالعات تاریخی جهان اسلام سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

جزر و مد، جزایر و موانع و مشکلات اشراف داشته و به بنادر مهم اقیانوس هند رفت و آمد داشته‌اند. (یعقوبی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۲۵-۲۲۴؛ رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۱۱-۱۲ و ۱۷-۱۵ و ۳۶-۳۴ و ۳۴ و ۷۲-۷۱)

۲. ورود اسلام از راه دریا به هند

از دیدگاه نویسندگان، نفوذ و گسترش اسلام در هند بیشتر از طریق دریا و سواحل غربی آن سرزمین بوده است. به تعبیر نهر و «تماس‌های گوناگون میان دنیای عرب و هند، رو به افزایش بود؛ مسافران از هر دو سو در رفت و آمد بودند... داد و ستد و ارتباط‌های فرهنگی فقط به شمال هند محدود نبود، بلکه دولت‌های جنوب هند و مخصوصاً «راشتراکوتها» که در سواحل غربی هند حکومت می‌کردند، با عرب‌های مسلمان روابط بازرگانی فراوان... داشتند. این تماس‌ها و مبادلات فراوان، طبعاً موجب می‌شد که هندی‌ها با مذهب جدید اسلام آشنا شوند. به تدریج مبلغان مسلمان نیز به هند آمدند و به نشر مذهب [دین] جدید در هند پرداختند و مورد استقبال واقع شدند؛ مساجدی در هند ساخته شد.» (نهر و، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۸۰) بر اساس دیدگاه آرنولد، احتمالاً گروهی از اعراب، نخستین کسانی بوده‌اند که از طریق دریا در سواحل غربی هند ساکن شده و به این ترتیب اسلام را با خود به هند بردند. (آرنولد، ۱۳۵۸: ۱۸۶-۱۸۵)

۳. کاردانی، مهارت و عملکرد دریانوردان مسلمان

مهارت و عملکرد مناسب دریانوردان مسلمان موجب شهرت و مقبولیت آنها بین دریانوردان دیگر سرزمین‌ها از جمله حوزه اقیانوس هند شده بود. این امر موجب گسترش دین اسلام شد. دریانوردان مسلمان از جمله دریانوردان ایرانی به علت ویژگی‌های برجسته‌ای که داشتند، مشهور و مورد توجه ویژه دریانوردان ممالک دیگر در اقیانوس هند و آب‌های دیگر بوده‌اند. به عنوان نمونه عبهره کرمانی یکی از ناخدایان خبره است که با تقاضای ناخدای یک کشتی که با خطر جدی غرق شدن مواجه شده بود، با تجربه و توانمندی خویش و اطلاع دقیق از مراکز خطرناک، زمان جزر و مد آب‌ها و میزان آنها، تأثیر ایام ماه در امواج دریا و روش مهار کشتی در وضعیت خطر، این کار مهم را انجام داد. (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۷۱-۶۸)

رامهرمزی در شرح این واقعه و از زبان سرنشینان کشتی می‌نویسد: «... قایقی را با پانزده سرنشین به آب انداخت و به آنها گفت: بروید به فلان مکان نزدیک فلان کوه و فلان لنگر را که در آنجا می‌بینید با خود بیاورید. این دستور ما را به حیرت افکند؛ اما برخلاف امر او چیزی نگفته رفتند و برگشتند و همان لنگر را که گفته بود با خود آوردند. باز گفت: بروید نزدیک فلان کوه دیگر و فلان لنگر را هم بیاورید. رفتند و آوردند. سپس فرمان داد: بادبان‌ها را برافراشتند و به راه افتادیم». (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۷۱-۷۰) مؤلف *عجایب الهند* سپس به کنجکاوی سرنشینان کشتی اشاره کرده و پاسخ‌های ناخدا عبهره را آورده است و از زبان سرنشینان می‌نویسد: در ضمن راه، مسئله لنگرها را از او پرسیدیم. گفت: «هنگامی که شما را در آن مکان دیدم سی‌امین روز ماه قمری بود و موقع مد دریا بود و آب می‌خواست به حالت جزر و فرونشستن درآید؛ در آن حین کشتی شما در وسط این جزیره‌ها و کوه‌ها قرار داشت. این بود که دستور دادم که قسمتی از بارهای کشتی را به دریا بریزند... پرسیدیم: چگونه فرونشستن آب دریا و برخاستن طوفان را پیش‌بینی کردی؟ گفت: من و پیشینیان من در این دریا به تجربه آموخته‌ایم و می‌دانیم که در روز سی‌ام هر ماه، آب به مقدار عظیمی فرومی‌نشیند؛ به قسمی که این کوه‌ها از آب بیرون آمده و نمایان می‌شوند». (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۷۱) در نهایت ناخدا عبهره پیامدهای خطرناک جزر و فرونشستن آب را برای سرنشینان کشتی توضیح می‌دهد و می‌گوید: «در همین هنگام طوفان عظیمی که منشأ آن در قعر دریاست، برمی‌خیزد... هرگاه کشتی شما هم در آن نقطه‌ای که من مشاهده کردم، می‌ماند، ساعتی نمی‌گذشت که به کوه برمی‌خورد و قبل از شروع طوفان غرق می‌شد؛ زیرا کشتی درست روی جزیره و تخته‌سنگ قرار داشت و به محض برخورد با کوه متلاشی می‌شد». (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۷۱-۷۲)

دریانورد مسلمان دیگر به نام محمد بن بابشاد سیرافی بود که به دلیل مهارت و ویژگی‌های برجسته در دریانوردی، معروفیت و مقبولیت در کشتیرانی در حوزه اقیانوس هند تصویر وی را به دستور یکی از پادشاهان سرزمین هند کشیده بودند. رامهرمزی می‌نویسد: «می‌گویند یکی از پادشاهان هند دستور داد: تصویر محمد بن بابشاد را که ناخدایی مشهور بود و میان دریانوردان شهرت و اعتبار بسزایی داشت، نقش کنند؛ زیرا چنین رسم بود که از میان هر صنف از مردم آن کسی که از حیث مقام و منزلت و دكاوت منحصر به فرد بود، صورت او را ترسیم کنند». (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۷۷)

۴. جلوه‌های فرهنگ، اعتقادات و اعمال اسلامی متجلی در رفتار مسلمانان در دریانوردی ۴.۱. دریا و جستجوی خالق

سفر دریایی به سرزمین هند با وجود خطراتی مانند گرداب‌ها، طوفان‌ها و امواج وحشتناک، کار بسیار سختی بوده است. یکی از مظاهر بسیار مهم پناه بردن به خداوند، هنگام خطر در دریا نمایان می‌شود. خطرات فراوانی در کمین دریانوردان و مسافران کشتی‌ها بوده است. این خطرات ناشی از طوفان‌ها و نامالیقات آب و هوایی و همچنین خطر برخورد با صخره‌ها، گل‌ولای نزدیک سواحل، جانوران دریایی مانند وال، کوسه و تمساح، دزدان دریایی، قبیله‌ها و مردمان آدم‌خوار بوده است. (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۱۱ و ۱۷-۱۵ و ۳۶-۳۴ و ۴۶ و ۷۲-۶۸ و ۹۱ و ۱۰۵-۱۰۴ و ۱۳۴-۱۳۳ و ۱۵۳؛ سیرافی، ۱۳۳۵: ۲۷ و ۳۹؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۹؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۰۵ و ۱۴۹) در آیات متعددی به اعمال قدرت خداوند در دریانوردی و کشتیرانی اشاره شده است. (فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَاؤُ اللَّهِ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...); «این مردم مشرک چون به کشتی نشینند (و به دست امواج خطر افتند در آن حال) تنها خدا را به اخلاص کامل در دین می‌خوانند...». (عنکبوت: ۶۵) (وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ); «و یکی از آیات (قدرت) الهی سیر و گردش کشتی‌هاست که در آب دریا مانند کوه‌های بلند در حرکت است». (شوری: ۳۲) در چنین موقعیت‌های حساسی مسلمانان خودبه‌خود و به‌طور طبیعی اعتقاد و فرهنگ اسلامی خود را صادقانه و خالصانه ابراز می‌کردند. قاعدتاً سایر سرنشینان، تحت تأثیر این وضعیت مسلمانان قرار می‌گرفتند. یکی از نویسندگان به این مطلب در دریانوردی در اقیانوس هند اشاره کرده و می‌نویسد: «... وقتی مردی از بالای دکل اولین علامت خاک وطن را مشاهده می‌کرد، با الله‌اکبر اعلام می‌نمود و جمیع کشتی‌نشینان فریاد می‌زدند: الله‌اکبر و به یکدیگر تبریک می‌گفتند». (متز، ۱۳۶۴، ج ۲: ۵۵۰)

۴.۲. بروز فرهنگ و اعتقادات اسلامی در حکایت علامه ناخدا

در مسافرت‌های دریایی همان‌طور که در قرآن کریم نیز آمده، در بحبوحه خطر که ناخودآگاه دل انسان متوجه خالق هستی می‌شد (عنکبوت: ۶۵)، مظاهر فرهنگ و اعتقادات اسلامی در رفتار مسلمانان تجلی می‌یافت. از جمله اعمال مسلمانان حین سفر دریایی به

هند، انجام غسل، نماز، تلاوت قرآن، توبه، طلب مغفرت از خداوند و غیره بوده است. محمد، پسر بابشاد، حکایتی از فردی به نام علامه ناخدا برای بزرگ بن شه‌ریار رامهرمی در مورد خطر غرق شدن کشتی بیان کرده که نشان از جاری بودن اعتقادات و فرهنگ اسلامی در کشتیرانی و دریانوردی مسلمانان در اقیانوس هند است. آداب و احکام اسلامی به‌طور طبیعی برای سرنشینان معرفی و تبلیغ می‌شده است.

در شرح واقعه‌ای حین دریانوردی مسلمانان در اقیانوس هند، کلمات نماز صبح، وضو، غسل، توبه، طلب عفو و سپاس و حمد خدا دیده می‌شود و بکار برده شده است. رامهرمی می‌نویسد: «علامه ناخدا بامدادان هنگام نماز صبح برای تجدید وضو از جایگاه خود در کشتی فرود آمد؛ همین که به دریا نظر افکند، بدون تأمل و تجدید وضو در حالی که مضطرب و متوحش بود، بازگشت و به عمال کشتی فرمان داد: فوراً شرع کشتی را باز کنند؛ چنان کردند؛ باز گفت: هر چه در کشتی هست به دریا بیفکنید ... سپس به طرف آب دریا نزدیک شد؛ باز هم با وحشت و ترس بازگشت». (رامهرمی، ۱۳۴۸: ۳۵) از این واکنش و احساس خطر پیداست که علامه ناخدا بر اساس تخصص و تجربه‌ای که داشت، وقوع خطر را جدی و حتمی می‌دانست؛ بنابراین خطاب به بازرگانان داخل کشتی گفت: «ای بازرگانان نزد شما چه چیز گرمی‌تر است؟ آیا اموال خود را که هزاران مانند آن را می‌توان به دست آورد، عزیزتر دارید یا جان خود را که ماندنی بر آن نیست؟. بازرگانان جواب دادند: مقصود تو چیست و چه اتفاقی افتاده است که بدین گونه سخن می‌گویی؟ باد ملایم است و دریا آرام و ما نیز در پناه خداوند متعال سلامت هستیم. علامه باز سخن آغاز کرد و گفت: ... من قبل از حدوث واقعه نصیحتی که لازم بود کردم ... و [با قایق] می‌روم ...». (رامهرمی، ۱۳۴۸: ۳۵) بازرگانان که علامه ناخدا را جدی می‌بینند، تصمیم می‌گیرند از دستورات او پیروی کنند و همین که خواست از کشتی دور شود، «فریاد برآوردند: کجا می‌روی؟ برگرد؛ آنچه بگویی اطاعت می‌کنیم. ناخدا گفت: به خدا قسم که برنخواهم گشت، مگر آنچه همراه دارید به میل خود و با دست خود به دریا افکنید. بازرگانان امر او را پذیرفتند و آنچه اشیای مهم و غیر مهم داشتند، به دست خود به دریا ریختند؛ به قسمی که در کشتی جز آدم و آب و آذوقه چیز دیگر باقی نماند. علامه ... به آنها روی کرده؛ گفت: اگر بدانید امشب به شما و کشتی شما چه خواهد رسید، هرآینه غسل می‌کنید و نماز می‌گذارید و در پیشگاه خدای خودتان توبه می‌کنید و از او طلب بخشایش می‌نمایید؛ مردم هم چنان کردند». (رامهرمی، ۱۳۴۸: ۳۶)

۲۰۲ مطالعات تاریخی جهان اسلام سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

رامهرمزی در ادامه مطالبی آورده که نشان دهنده دقت بالای علامه ناخدا و پیشبینی خطر و نجات کشتی توسط اوست. رامهرمزی می‌نویسد: «همین‌که شب فرا رسید... کمتر کشتی بود که از این طوفان نجات یافته باشد؛ اما این کشتی که به الهام خداوند سبک شده و بارهای سنگین آن به دریا ریخته شده بود، در آن طوفان و جوش و خروش دریا به روی آب باقی مانده و بر امواج کوه‌پیکر سوار می‌شد. ساکنان کشتی دست به دعا برداشته، قرآن می‌خواندند و به‌سوی خدا تضرع و زاری می‌کردند؛ تا سه شبانه‌روز آب و نان از گلویشان پایین نرفت. روز چهارم به امر خداوند باد آرام گرفت و دریا از خروش افتاد و به قدرت کامله الهی طوفان فرونشست... مسافری به‌سوی اوطان‌شان رهسپار گشتند... حمد خدا را به جای آوردند». (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۳۶-۳۷)

این‌گونه اعمال سرنشینان کشتی‌های اسلامی ریشه در مفاهیم و آموزه‌های قرآنی دارد. خداوند در قرآن خطاب به حضرت نوح (ع) این دعا را یادآوری کرده است. (وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ)؛ «و باز بگو: پروردگارا، مرا به منزلی مبارک فرود آور که تو بهترین کسی هستی که به منزل خیر و سعادت توانی فرود آورد». (مؤمنون: ۲۹) به نظر می‌رسد بروز اعتقادات و اعمال اسلامی با آداب خاص خود که همراه با مفاهیم قرآنی بوده در موقعیت خطر و مرز زنده ماندن یا غرق شدن تأثیر عمیقی بر سرنشینان دیگر ادیان و اقوام گذاشته باشد.

۴.۳. بروز شعائر و آداب اسلامی در رفتار کارکنان و مسافران مسلمان

رامهرمزی در حکایتی دیگر از محمد بن بابشاد در اقیانوس هند نیز کلمات صدقه، نذر، نماز و تکبیر را به کار برده است. استفاده از این کلمات و عمل به آنها نشان‌دهنده پایبند بودن سرنشینان مسلمان به آموزه‌های اسلامی بوده است. اینگونه رفتارها موجب معرفی و شناساندن دین اسلام به دیگر سرنشینان کشتی‌ها از جمله مسافران هندی می‌شد. رامهرمزی می‌نویسد: «ناخدا گفت: ما به فلان بندر می‌رویم... مسافران برای سلامت خود نذر کردند، بیست دینار تصدق بدهند تا سالم به مقصد برسند... پس از پانزده روز بیمودن دریا گمان کردند به کوه‌های غرب نزدیک شده‌اند، آن روز تا شب گفتگو از صدقه دادن و ادای نذر بود...». در ادامه می‌نویسد: بعد از ظهر روز بعد، «پس از ادای نماز عصر، محمد ابن بابشاد گفت: آثار کوه‌ها را می‌بینم. دیگران گفتند: ما چیزی ندیدیم. محمد، دیده‌بان را

بالای دکل فرستاد. دیده بان همین‌که به بالای دیده بانی رسید، فریاد برآورد: شکر خدای بجا آورید و تکبیر بگویید. صدای الله‌اکبر از جمعیت بلند شد و به یکدیگر بشارت می‌دادند ...» (رامهریزی، ۱۳۴۸: ۷۲)

۴.۴. اعتماد، توکل بر خدا و ستایش او هنگام خطر

بین مسافران و سرنشینان خاطراتی بیان می‌شد که برای دیگران آموزنده بوده و آنها را به شکرگذاری خداوند و توکل بر او تشویق می‌کرد؛ از جمله اینکه رامهریزی از قول یکی از دوستانش به خونسردی یک زن که پسر بچه‌ای همراهش بوده در هنگام طوفان و خطر غرق شدن کشتی پرداخته که نسبتاً مفصل است. او علت خونسردی خود را اتفاقی که پیش از این در مسیر حرکت به هند برایش افتاده بود، بیان می‌کند و چنین توضیح می‌دهد: «... بین راه، دریا طوفانی شد و در نیمه‌شب کشتی ما را در هم شکست. تمام سرنشینان کشتی و ملوانان آن در دریا متفرق گشتند؛ به قسمی که هیچیک دیگری را نمی‌دید. من خود را به یک پاره چوب آویختم. و تا ظهر روز بعد همچنان به آن پاره چوب آویخته بودم. در آن هنگام کشتی‌ای که از آن حدود عبور می‌کرد، ما را دید و نزدیک شد و قریب ده نفر از غرق‌شدگان را نجات داد که من یکی از آنها بودم. ... اما من طفل خود را به کلی از یاد برده بودم؛ زیرا این حادثه فکر او را از مغز من ... زایل ساخته بود». (رامهریزی، ۱۳۴۸: ۱۱۲-۱۱۱) رامهریزی در ادامه، شرح واقعه نجات طفل آن زن را به طور معجزه‌آسا آورده است و از زبان آن زن می‌نویسد: «روز بعد شنیدم که صاحب کشتی گفت: این طفلی را که از آب گرفته‌ایم، از گرسنگی خواهد مرد؛ ببینید این زن شیر دارد یا نه؟ ... گفتند: این بچه را تا نمرده است، ببین. آنگاه گاهواره طفل را نزدیک من آوردند؛ دیدم بچه مانند روز اول در آن قرار دارد و هیچ‌یک از اسباب‌های گاهواره باز نشده و دست‌نخورده است. همین که چشمم به طفل افتاد فریادی برآوردم و به حال سجده به روی زمین (کف کشتی) افتادم و از خود بیخود شدم. عمال کشتی فوراً قدری آب به صورت من پاشیدند و پرسیدند: تو را چه شده است؟» (رامهریزی، ۱۳۴۸: ۱۱۳-۱۱۲) سپس مادر بچه چگونگی واقعه را برای حاضران ساکن در کشتی بیان می‌کند و می‌گوید: «پس از ساعتی که به حال آمدم، طفلم را در آغوش کشیدم و بنای گریستن گذاشتم. باز از من پرسیدند: ای زن چرا چنین می‌کنی؟ گفتم: این طفل از آن من است. صاحب کشتی به من نزدیک شد و گفت: اگر این طفل از آن توست، اسباب‌هایی

که در زیر اوست، چیست؟ من آنچه اسباب در گاهواره بود، برای آنها یک یک بر شمردم و همچنان که گفته بودم، تمام اسباب‌ها را یکایک بیرون آوردند. گویی در همان ساعت آنها را در گاهواره جای داده‌ام». (رامهریزی، ۱۳۴۸: ۱۱۳) در ادامه داستان، واکنش حاضران در کشتی به علت خونسردی فعلی آن زن در کشتی متلاطم در دریا آمده است: «تمام حاضرین به گریه درآمدند و خداوند را شکر و ثنا گفتند. پس من که بدین گونه در دریا غرق شده‌ام و بین من و طفلم جدایی افتاده بود، خداوند بدین صورت که شنیدید، ما را به هم رسانید. اکنون چرا از این حادثه کوچک بیمناک باشم؟...» (رامهریزی، ۱۳۴۸: ۱۱۳)

۴،۵. امور عبادی، نماز، بهداشت و ویژگی‌های اخلاقی در کشتی‌ها

بر اساس گزارش‌های رامهریزی نماز و دیگر عبادات در کشتی‌های مسلمانان اقامه می‌شد. وضعیت متلاطم دریا و مواجه شدن کشتی‌ها با انواع خطرات و به خطر افتادن جان و اموال مسافران، موجب می‌شد که مسافران مسلمان علاوه بر نمازهای واجب، به انجام سایر آداب اسلامی از جمله دعا و تضرع به درگاه خداوند می‌پرداختند. (رامهریزی، ۱۳۴۸: ۳۷-۳۶ و ۷۲) آداب و اعمال قبل از عبادات مانند وضو و غسل که در گزارش‌های رامهریزی آمده، نشان می‌دهد که مکان‌هایی برای استحمام و شست و شو در کشتی‌های مسلمانان وجود داشته است. همچنین رامهریزی در گزارش‌های فراوان به وجود کارگران نظافتچی در کشتی‌ها اشاره کرده است. (رامهریزی، ۱۳۴۸: ۲۸) نظافت و بهداشت در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و پیامبر (ص) در موارد فراوانی بر این امر تأکید کرده است. (پاینده، ۱۳۶۲: حدیث شماره ۳۱۶۱، ۱۰۵۵، ۳۱۹۸ و ۳۱۹۹) دین اسلام از این جهت در مقایسه با فرهنگ سایر ملل و ممالک، در گذشته برتری خاص خود را داشته است. بنابراین نظافت و بهداشت برای انجام آداب و عبادات اسلامی به سهم خود در معرفی و شناساندن دین اسلام به سرنشینان غیرمسلمان کشتی‌ها مؤثر بوده است.

دریانوردان و ناخدایان مسلمان ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی جذاب و اثرگذاری داشتند؛ از جمله دقت در کار، پیش‌بینی خطر و پیشگیری از بحران، ترجیح اهم بر مهم، پایبندی به عبادات، رعایت بهداشت و نظافت، مسئولیت‌پذیری، تسلط بر کار، شجاعت، صبر و توکل و دیگر ویژگی‌های ارزنده از این نوع، بین ناخدایان مسلمان فراوان دیده می‌شود. از جمله نجات کشتی به وسیله عبهره کرمانی با دقت در موقعیت ماه و تأثیر آن در

دریا و پیش‌بینی خطر و جلوگیری از متلاشی شدن کشتی (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۷۷) و پایبندی علامه ناخدا به دستورات اسلامی و درایت وی و پیش‌بینی خطر و پیشگیری از غرق شدن کشتی و ترجیح اهم بر مهم و دستور به بازرگانان برای افکندن تمام اموال و اشیاء به دریا برای حفظ جان سرنشینان. (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۳۶-۳۷) ابوزهر برختی از ناخدایان مسلمان سیرافی در یک حادثه خطرناک دریایی با ترس و وحشت فوق‌العاده سرنشینان کشتی، سخنانی بر زبان می‌آورد که ناشی از مسئولیت‌پذیری، تسلط بر کار، شجاعت، صبر و توکل این ناخدای مسلمان است. او خطاب به سرنشینان می‌گوید: «... ما ناخدایان وظیفه دار می‌باشیم که کشتی خود را تا زمانی که باقی است و به حادثه شومی دچار نشده است، در معرض خطر قرار ندهیم... زنده‌ایم تا کشتی سلامت است... پس صبر و شکیبایی داشته باشید و خود را به خداوند بادهای و دریاها بسپارید...» (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۱۷)

۵. تأثیر ترکیب جمعیت و مدت زمان سفرهای دریایی مسلمانان بر انتقال و نشر اسلام در

هند

جمعیت کشتیهای مسلمانان متنوع و متشکل از اقشار مختلف بود. رامهرمزی ضمن بیان مطالبی درباره طوفان‌ها، خطرات و مشکلات دریا، به میزان و تنوع جمعیت کشتی‌ها اشاره می‌کند. به‌طور متوسط هر کشتی حدود چهارصد نفر حمل می‌کرده و این تعداد مسافر نسبت به مقطع زمانی مورد بحث یعنی قرن چهارم واقعاً قابل توجه است. در سفرهای دریایی، ناخدایان بعضی مواقع با موانع و مشکلاتی برخورد می‌کردند که مدت زمان سفرشان طولانی‌تر از حد معمول می‌شد. سیرافی می‌نویسد: «ملاحان برای عبور از خلیج عظیم سرانندیب، قریب دو ماه و بلکه بیشتر معطل می‌شوند. راه از وسط مرداب‌هایی می‌گذرد که مشحون از اشجار بیشمار و مستور از چمنزارهای انباشته از آب است...» (سیرافی، ۱۳۳۵: ۱۴۶) با توجه به کثرت رفت و آمد کشتی‌ها بین سرزمین‌های اسلامی و هند و تعداد زیاد مسافر، آموزه‌های اسلامی به سرزمین هند، منتقل شده است. رامهرمزی می‌نویسد: «یک نفر از بازرگانان... برای من چنین حکایت کرد: در سال ۳۰۶ هجری در یک کشتی که از سیراف به صیمور می‌رفت، سوار بودم. کشتی عبدالله بن جنید و کشتی سبا نیز با کشتی ما همراه بودند. این سه کشتی از کشتی‌های بزرگ و معروف بود و ناخدایان آنان نیز مشهور و در فن دریانوردی دارای مقام و منزلت بودند. هزار و دویست نفر سرنشین از جمله تاجر،

۲۰۶ مطالعات تاریخی جهان اسلام سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

دریانورد، ملوان و سایر طبقات مختلفه در این کشتی‌ها جمع بودند ... چون یازده روز از سفر ما گذشت، از دور، کوه‌ها و سرزمین سندان و تانه و صیمور نمایان گردید...» (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۱۳۵-۱۳۲)

علاوه بر تنوع مسافران از لحاظ اقشار و اصناف مختلف، از نظر ملیت نیز متنوع بودند. از جمله افرادی از اقوام و ملیت‌های ایرانی، عراقی، عربستانی، یمنی، اسپانیایی، حبشه‌ای، ابله‌های و شامی، عمانی در دنیای اسلام بودند. (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۱۲ و ۱۱۸ و ۱۴ و ۶۲ و ۱۷ و ۳۱ و ۳۲ و ۵۶ و ۵۹ و ۱۳۷) شهرها و مناطق سرزمین هند مانند کشمیر بالا، کشمیر سفلی، سرانندیب، قنوج، منصوره، کله، سندابور، سریره، صیمور، سوباره، تیز، تانه و جزایر بقر، مندورین و صنفین در سیلان و به طور کلی سراسر سرزمین هند از طریق دریانوردان با جهان اسلام در ارتباط مستمر بودند. (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۵-۳ و ۲۸ و ۳۹ و ۱۰۵-۱۰۴، ۸۴-۸۲ و ۹۹ و ۱۲۲ و ۱۰۸ و ۱۲۶)

بسیاری سرنشینان کشتی‌ها که از ملیت‌ها و ادیان گوناگون بوده‌اند، با گفت و گو و معاشرت با مسافران و دریانوردان مسلمان، تحت تأثیر رفتار، منش و دین آنها قرار می‌گرفتند و این فرایند، موجب آشنایی با اسلام و پذیرش آن در مناطق مختلف سرزمین هند می‌شد. همین تنوع به نوبه خود از طریق گفتگو، معاشرت و وقایع گوناگونی که گاه لحظه‌ای بوجود می‌آمد، در بروز و ظهور اعتقادات و فرهنگ اسلامی در کشتی‌های مسلمانان، موجب معرفی و انتقال دین اسلام به مناطق مختلف سرزمین هند می‌شد. (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۱۷-۱۹ و ۷۵-۷۴ و ۱۱۳-۱۱۱)

از دیدگاه بعضی نویسندگان، کشتیرانی و دریانوردی مسلمانان در اقیانوس هند در واقع ادامه دریانوردی ایرانیان بوده است که این فن را از دوره هخامنشیان به ارث برده‌اند (رسایی، بیتا، ۵۶-۵۱) و با اقتدار مسلمانان و مسلمان شدن دریانوردان ایرانی، این حرفه رشد و توسعه بیشتری یافت و نقش ایرانیان بیشتر از ملت‌های دیگر بوده است. بدون شک بیشتر سازندگان کشتی و کشتیرانان در سواحل خلیج فارس و سواحل شبه جزیره عربستان، ایرانی بوده‌اند و این واقعیت را منابع نیز تأیید می‌کنند. در مورد کشتی‌سازی و دریانوردی ایرانیان، مقدسی می‌گوید: «بیشتر کشتی‌سازان و دریانوردان، فارسی هستند». (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۶)

بزرگ بن شه‌ریار رامهرمزی خود از اهالی سیراف بوده است. وی از دریانوردان ایرانی و

مسلمان در کتاب خود نام برده است. از جمله ابومحمدحسن نجیرمی، شهریاری، ابو زهر برختی سیرافی، جهود کوتاه، عبیره کرمانی، اسمعیلویه (اسمعیل بن ابراهیم بن مرداس)، مردانشاه، مرزبان، علامه ناخدا، علی بن شاذان سیرافی، محمد بن مسلم سیرافی، محمد بن بابشاد، عبد الله بن جنید، کاوان که اکثراً یا همه آن‌ها ایرانی و مسلمان بوده‌اند. (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۲ و ۶ و ۶۸-۷۲ و ۱۲۴ و ۷۲-۷۳ و ۱۲۴ و ۱۳۳ و ۳۶-۳۴ و ۱۲۲ و ۷۵-۷۴ و ۵۰ و ۹۷ و ۱۰۷-۱۰۶ و ۱۵)

ایرانیان که پیش از اسلام نیز دریانوردان ماهری بودند، با ظهور اسلام و پذیرش این دین، استعداد و توانمندی خود را این بار با مبانی اعتقادی، بیشتر بروز دادند. رایین در این مورد می‌نویسد: «... دریانوردی اسلامی [مسلمانان] در آغاز کار، دنباله مستقیم دریانوردی پارسیان است. مردان شجاعی که فاصله بعید خلیج فارس، اقیانوس هند و ... را درمی‌نوردیدند، اینک گروهی از آنان به این دین گرویده‌اند و همه استعداد، قدرت و امکانات خود را در اختیار پیشرفت و گسترش مذهب [دین] جدید نهاده‌اند...». (رایین، ۲۵۳۶، ج ۱: ۲۹۱) با وجود برتری ایرانیان در کشتیرانی، این نکته را باید گفت که مجموعاً دریانوردان مسلمان اعم از سفید و سیاه، ایرانی، یمنی، هندی و ... هرکدام به سهم خود در رساندن نوای اسلام از طریق دریا به سرزمین هند نقش ارزشمندی را ایفا کردند. (طاهری، ۱۳۸۰: ۲۱۷-۲۱۹)

بدین ترتیب کشتی‌ها و دریانوردان ماهر و شجاع مسلمان طی چندین قرن همواره از خلیج فارس و دریای عمان به طرف بنادر اقیانوس هند در رفت و آمد بوده‌اند و به این صورت مبادلات تجاری و فرهنگی صورت می‌گرفته است. (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۳۶-۱۳۵؛ متز، ۱۳۶۴، ج ۲: ۵۴۸-۵۴۷)

۶. چگونگی و فرایند نشر اسلام در هند از راه دریانوردی

در طول تاریخ مسیر دریا و دریانوردی یکی از راه‌های اثرگذار در انتقال اندیشه و فرهنگ بوده است. دین اسلام نیز از این مسیر به سرزمین‌های مختلف از جمله سرزمین هند رفته است. مسافران کشتی‌ها از اقشار و سرزمین‌های مختلف بودند. این اقشار گرچه همه مبلغ رسمی نبودند و سفرشان فقط برای تبلیغ نبوده است، اما نشان دهنده واقعیت ترکیب جمعیتی کشتی‌ها هستند که اسلام را به هند برده‌اند. مسعودی مینویسد: «من ناخدایان

۲۰۸ مطالعات تاریخی جهان اسلام سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

سیرافی و عمانی دریای چین و هند و سند و ... را دیده‌ام...». (مسعودی، ۱۳۶۵م، ج ۱: ۱۲۶) او از جمعیت مسلمانان و بازرگانان گزارش می‌دهد و می‌نویسد: «... من به سال سیصد و چهار به دیار صیمور هند بودم. ده هزار مسلمان ... مقیم آنجا بود که گروهی از تجار مشهور چون موسی بن اسحق صندالونی [صندابوری] از آن جمله بودند...». (مسعودی، ۱۳۶۵م، ج ۱: ۲۰۶-۲۰۵) مقدسی نیز از طریق دریا به سرزمین هند سفر کرده است. وی در گزارش از اقیانوس هند مینویسد: «من خود نیز پیرامون دو سه هزار فرسنگ در آنها سفر دریایی کردم و دورادور همه جزیره‌هایش ... بگشتم ... و من با پیران آن سامان که همان جا زاده و دریانورد، ریاضیدان و بازرگان بودند، گفتگو کردم ... (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۵) مقدسی در مورد کار خود می‌نویسد: «نقشه‌های این سرزمین [هند] را نیز من با کمک کارشناسان زیرک اینجا که این سامان را از نزدیک دیده بودند، فراهم کردم. بیشتر بخش‌های آن را من پس از مشورت با خردمندان آن بخش‌ها و همکاری با دانایان ایشان ساخته، بسیاری از گزارش‌ها را از گفتار ابراهیم بن محمد فارسی آورده‌ام...». (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۷۰۱)

همچنین مقدسی در مورد مردم منصوره می‌نویسد: «مردمی شایسته و جوانمرد دارد. اسلام را در آنجا شکوفایی هست. دانش و دانشمندان بسیار، بازرگانی پر سود ...». (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۷۰۴-۷۰۵) فضای فرهنگی و دینی مناسب و مساعد درون کشتیها موجب اثرپذیری ساکنان غیرمسلمان کشتیها شده و از این طریق اسلام به بنادر و مناطق مختلف سرزمین هند انتقال یافت. مسافران کشتیها از جمله خود مسلمانان بعد از خروج از کشتی و رفتن به بنادر و مناطق مختلف هند با رساندن خبر دین اسلام و معرفی آن، به نشر و گسترشش میبپرداختند. از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

رامهریزی می‌نویسد: مردم سرانندیب با شنیدن خبر ظهور پیامبر اسلام (ص) فرد دانایی را از میان خود برگزیدند و به ملاقات پیامبر (ص) فرستادند؛ ولی تا رسیدن او به عربستان نه تنها پیامبر (ص) رحلت کرده بود، بلکه ابوبکر نیز در قید حیات نبود و عمر در مقام خلافت جای داشت. آن فرستاده از عمر جوایبی حالات پیامبر (ص) شد. عمر برای او توضیح داد. او هنگام بازگشت در نواحی بلاد مکران درگذشت. اما غلامی داشت که به سرانندیب بازگشت و آنچه در مورد پیامبر اسلام (ص) و ابوبکر شنیده بود، حکایت کرد و از رفتار عمر، جانشین پیامبر (ص) و فروتنی او و اینکه لباس‌های وصله دار بر تن داشت و شب‌ها در مساجد بیتوته

می‌کرد، سخن گفت. مردم سرانندیب از آن زمان که این مطالب را از غلام هندی شنیدند، متواضع و فروتن شدند و لباس وصله دار پوشیدند و محبت و مهربانی آنان نسبت به مسلمانان در قلوب آنها ماندگار شد. (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۱۲۶-۱۲۵)

حضور مسلمانان از جمله بازرگانان در هند و ارتباط مناسب و مؤثر با ساکنان آنجا، در گرایش آنان به اسلام بسیار مؤثر بود. از جمله می‌توان به موضوع راجه عسیفان در دوره خلافت معتصم خلیفه عباسی اشاره کرد که در *فتوح البلدان* بلاذری چنین آمده است: «... مردم آن دیار بتی را می‌پرستیدند که برایش خانه‌ای ساخته بودند و هیبت آن در دل‌هایشان بود. پسر پادشاه بیمار شد و کاهنان آن سرای را بخواست و به ایشان گفت: بت را دعائید که پسر مرا شفا دهد. کاهنان ساعتی از وی دور شدند و سپس بازگشته؛ گفتند: ما بت را بخواندیم و او خواسته ما را اجابت کرد. لکن طولی نکشید که پسر بمرد و پادشاه بر آن سرای تاخت و ویرانش کرد و به بت حمله کرد و آن را بشکست و نیز بر کاهنان یورش برد و آنان را بکشت. سپس جمعی از بازرگانان مسلمان بخواند و آنان بر وی توحید عرضه کردند و او موحد و مسلمان شد». (بلاذری، ۱۳۳۷، ۶۲۳)

عالمان مسلمان نیز از راه‌های مختلف در ترویج و گسترش اسلام در هند نقش خود را ایفا کردند. در *عجایب الهند* آمده که مهروک یکی از بزرگترین پادشاهان ممالک هند در سال ۲۷۰ هجری نامه‌ای به حاکم منصوره — عبدالله بن عمر بن عبد العزیز — نوشت و از او درخواست کرد که دین اسلام را به زبان هندی برایش شرح دهد. عبدالله برای یکی از عالمان فهیم منصوره که شاعر نیز بود و به زبان‌های مختلف سرزمین هند آشنایی داشت، خواسته مهروک را بازگو کرد. او قصیده‌ای نوشت و برای شاه فرستاد. شاه تحسین کرد و صاحب قصیده را طلب کرد. عبدالله او را به دربار شاه فرستاد. او سه سال در دربار بود؛ به در خواست راجه، قرآن را برای وی ترجمه کرد و او تحت تأثیر قرآن قرار گرفت. هنگامی که آن مرد بعد از سه سال به منصوره برگشت و عبدالله بن عمر در مورد مهروک از او پرسید، گفت: «هنگامی پادشاه را ترک گفتم که از قلب و زبان مسلمان شده بود، اما از ترس این که کشورش را از دست ندهد و سلطنتش مختل نگردد، مذهب اسلام را ظاهر نمی‌ساخت». (رامهرمزی، ۱۳۴۸: ۲-۳) در ادامه آمده چون آیه‌ای از سوره یس را برایش تفسیر کردم، «شاه که بر تخت زرین و مرصع به انواع جواهر قیمتی قرار داشت، گفت: معنی این آیه را تکرار کن؛ چنان کردم؛ شاه از تخت به زیر آمد... آنگاه بر زمین [نمناک] افتاد و گونه خود را

۲۱۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

بر خاک نهاد و چندان گریست که صورتش گل آلود شد. پس برخاست... و گفت: این است معبود اول و پروردگار قدیم و یگانه بینظیر. سپس فرمود: برایش خانه‌ای بنا کردند و تنها در آن خانه می‌رفت. ظاهراً می‌گفت: برای انجام امور کشور در آن خانه خلوت می‌کند؛ اما در خفا عبادت خدای را به جا می‌آورد و نماز می‌گزارد...» (رامهریزی، ۱۳۴۸: ۲-۳)

صوفیان یکی دیگر از اقلشار اثرگذار در نشر اسلام در هند بودند. از جمله صوفیانی که در اواخر قرن سوم هجری از راه دریا به هند رفت، حسین بن منصور معروف به حلاج بود که بین مردم غرب هند و مناطق گجرات، سند، کشمیر و غیره به تبلیغ و ترویج اسلام پرداخت. (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۳۵۹-۳۵۸؛ هجویری، ۱۳۹۲: ۲۳۳-۲۲۹؛ بدوی، ۱۳۷۵: ۶۱؛ زرینکوب، ۱۳۷۹: ۱۵۹-۱۳۱).

تاراچند می‌نویسد: «ابو حفص ربیع بن صاحب الاسدی البصری که سنی و مرتاض بود، به سند آمد و تا پایان عمر (۱۶۰ هجری) در آنجا ماندگار شد. در قرن دهم منصور حلاج که از راه دریا سفری به هند داشت... در قرن یازدهم بابا ریحان از بغداد به اتفاق گروهی از دراویش به بروج آمد... گفته‌اند که این صوفی پسر راجه را مسلمان کرد.» (تاراچند، ۱۳۷۴: ۸۵)

نتیجه

دریانوردی مسلمانان یکی از راه‌های مؤثر انتقال و گسترش دین اسلام در سرزمین هند بوده است. خدمه کشتی‌ها و سایر اقشار مسلمان کشتیها با اعتقادات و اعمال اسلامی، پیام و فرهنگ اسلام را از طریق بنادر و فعالیت‌های تجاری و فرهنگی به سراسر سرزمین هند منتقل می‌کردند. کشتی‌های مسلمانان با تنوع جمعیتی و ملیت‌های گوناگون و اصناف و اقشار مختلف که هرکدام با اهداف خاصی به سفر دریایی می‌رفتند، با خود اعتقادات و احکام اسلامی را به هند می‌بردند. سفرهای دریایی ماه‌ها طول می‌کشید. طولانی بودن زمان مسافرت باعث آشنایی بیشتر مسافران غیرمسلمان با آداب، رفتار و منش مسلمانان در کشتی می‌شد. پایبندی به عبادت، نظم و انضباط در کارها، مسئولیت‌شناسی، بهداشت و نظافت و غیره از جمله عواملی بود که سرنشینان غیرمسلمانان کشتی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد. ناخدایان مسلمان با کاردانی، شایستگی، ایمان و درایت و جذابیت‌های شخصیتی ناشی از تخصص و اخلاق در برقراری ارتباط مناسب و مؤثر با غیرمسلمانان، موفق بودند. در مجموع چه خدمه کشتیها و چه مسافران به صورت عینی و عملی اسلام را معرفی و تبلیغ میکردند. چون کشتی هر لحظه با طوفانها و خطرهای دیگر از جمله برخورد با صخرهها و دیگر موانع، جانوران دریایی و غیره مواجه میشد، علاوه بر عبادت‌های معمول روزانه، اعتقادات و احکام اسلامی خاص مواقع خطر، جاری میشد. همانطور که در قرآن کریم آمده، انسان در چنین فضایی که جان خود را در خطر می‌یابد، فطرتاً فروتنی بیشتری نسبت به خدا پیدا میکند. براساس واقعیت‌های تاریخی، شواهد و قرائن و استنباط عقلی این نتیجه به دست می‌آید که مجموعه رویدادهای درون کشتی و فعالیت‌های بعد از بیرون رفتن از کشتی، در بنادر و مناطق مختلف، موجب انتقال پیام اسلام و نشر و گسترش آن در سرزمین هند شده است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن خردادبه، عبیدالله ابن عبدالله (۱۳۷۱)، مسالک و ممالک، با مقدمه‌ای از آندره میکل، ترجمه سعید خاکرند، تهران، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، موسسه فرهنگی حنفا.
۲. ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، الاعلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر.
۳. ابن ندیم (۱۳۸۱)، الفهرست، ترجمه رضا تجدد، تهران، انتشارات اساطیر.
۴. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۰)، مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران، بنیاد ترجمه و نشر کتاب.
۵. آرنولد، سر توماس (۱۳۵۸)، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. بدوی، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، تاریخ تصوف اسلامی از آغاز تا پایان سده دوم هجری، ترجمه دکتر محمود رضا افتخارزاده، قم، دفتر نشر معرف اسلامی.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، به کوشش امیرحسین خنجی، تهران: نشر نقره، نشر الکترونیک توسط وبگاه تاریخ ایران.
۸. بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۲)، تحقیق ماللهند، ترجمه منوچهر صدوقی سهما، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۹. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، نهج الفصاحه، بی جا، انتشارات جاویدان.
۱۰. تاراچند (۱۳۷۴)، تأثیر اسلام در فرهنگ هند، ترجمه علی پیرنیا و عزالدین عثمانی، تهران: پاژنگ.

۱۱. جیهانی، ابوالقاسم ابن احمد (۱۳۶۸)، اشکال العالم، ترجمه علی ابن عبدالسلام کاتب، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۲. رامهرمزی، بزرگ بن شهریار (۱۳۴۸)، عجایب هند، ترجمه محمد ملک زاده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۳. رائین، اسماعیل (۲۵۳۶)، دریانوردی ایرانیان، تهران، باشگاه ادبیات، ج ۱.
۱۴. رسایی، فرج‌الله، بی تا، ۲۵۰۰ سال بر روی دریاها، تهران، پیک دریا، ستاد نیروی دریایی شاهنشاهی.
۱۵. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، جستجوی تصوف در ایران، تهران، امیرکبیر.
۱۶. سیرافی، سلیمان سیرافی ابوزید (۱۳۳۵)، شگفتی‌های جهان باستان (سلسله التواریخ)، ترجمه محمد محمدی لوی عباسی، تهران، انتشارات کتابخانه گوتنبرگ.
۱۷. طاهری، محمود (۱۳۸۰)، سفرهای دریایی مسلمین در اقیانوس هند، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۸. متر، آدام (۱۳۶۴)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا دکاوتی قراگوزلو، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۲.
۱۹. مسعودی، ابوالحسن علی ابن حسین (۱۳۶۵)، التبییه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. مسعودی، ابوالحسن علی ابن حسین (۱۳۶۵)، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنیاد ترجمه و نشر کتاب، ج ۱.
۲۱. مقدسی، ابو عبدالله محمد ابن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ج ۱ و ۲.

۲۱۴ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

۲۲. مؤلف مجهول (۱۳۶۲)، حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری.
۲۳. نهرو، جواهر لعل (۱۳۶۱)، کشف هند، ترجمه محمود تفضلی، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ج ۱.
۲۴. هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۹۲)، کشف المحجوب، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران، سروش.
۲۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق یعقوبی (ابن واضح یعقوبی) (۱۳۸۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.